پنج شنبه ۱۴ آذر ماه ۱۳۲۰ برابر ۷ کسلو شماره ۱۱ نگشمار ۲۰ ریال

بنی آدم

ارگان جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران

آیا انتخابات آزاد خواهد بود؟

آیا یهودیان از حقوق سیاسی یك انسان آزاد بهره‌مند می‌شوند؟

اکنون ملت ایران در آستانه انتخابات دوره هفدهم قرار دارد.

دسته بندی‌ها برای غصب حقوق سیاسی مردم شروع گشته است.

از مدتها پیش تضییقات وفشار عوامل زور وقدرت افزون‌تر گشته است.

بازهم می‌خواهند ملت ایران را از دخالت در امور سیاسی خود همچنان باز دارند و باظاهرسازی و عوامفریبی کسانی را بر حقوق مردم مسلط کنند که کوچکترین علاقه‌ای بمنافع ملت ندارند

انتخابات دوره هفدهم هنگامی شروع می‌شود که موضوع مهمی بعنوان «یك مسئله حل نشده» در راس برنامه کار معامله گران سیاسی قرار دارد.

می‌خواهند مجلسی بوجود آورند که این «مشکل» را بنحوی حل کند که منافع غارتگران انگلیسی و امریکائی درعین حال تامین گردد.

آن‌ها که چشم طمع بثروت ملی ما دوخته‌اند نقشه‌هائی دارند که ظاهرا باید پس از انجام انتخابات بمورد اجرا گذارده شود.

موضوع دیگری که مطرح است، کشاندن دولت ایران بدسته بندی موسوم به «سازمان دفاعی خاورمیانه» است که از مدتها پیش جزو نقشه دولتهای استعماری بوده است و اکنون برای تحقق آن به فعالیت های دمنه داری پرداخته‌اند.

شرکت دادن رسمی هیئت حاکمه مادر باوکی که ظاهرا نام «اتحادیه محلی» یانام دیگری از این قبیل دارد ولی باطنا منظور دیگری جز تامین نفوذ شوم استعمار گران انگلو آمریکن برخاور میانه و نزدیك ندارد موضوعی است که باید مجلس هفدهم راه آنرا صاف وهموار نماید.

بارها محافل سیاسی خارجی و داخلی صریحا اظهار داشته‌اند که کشور ما اهمیت استراتژیك فراوانی دارد

یعنی در نقشه‌های جنگی که استعمار گران می‌خواهند در جهان بر پا نمایند موقعیت حساس را حائز است.

بقیه در صفحه ۳

شخصیت‌های بزرگ

فرومانتال هلوی

آهنگ ساز شهیر یهودی

ژاك فرانسوا فرومانتال هلوی بسال ۱۷۹۹ در پاریس چشم بدنیا گشود و پس از ۶۲ سال عمر بسال ۱۸۶۲ در شهر نیس زندگی را بدرود گفت.

هلوی در کنسرو اتوار پاریس تحت تعلیم شروبینی به فراگرفتن موسیقی پرداخت ودر بیست ویك سالگی بدریافت جایزه رم موفق گردید. پس از مراجعت از ایتالیا بتدریج در ردیف آهنگسازان اپرا در آمد. در سال ۱۸۳۵ پس از ساختن اپرای بزرگ یهودی و اپرای فکاهی روشنائی باوج شهرت رسید بشدت تحت تاثیر آثار مایربیر بود و به آثار ادبی بیشتر علاقه نشان میداد هلوی دارای اوپراهای بسیار و شاغل

بقیه در صفحه ٤

«حلاج»

جبرا را باید آراء افراد جامعه بوجود آورد،

نه تمایلات نماینده تحمیلی

خرابی اوضاع جامعه ما از یکسو نتیجه پریشانی اوضاع عمومی کشور نتیجه کشور و خرابی رژیم اقتصادی حاکمه است از سوی دیگر معلول وجود سرجنبانانی بنام و کیل وکار گردان های نا صالح اجتماع ما می باشد این ناصالحان خواه بعنوان نماینده مجلس خواه بنام افراد جبرا یا اشخاص متنفذ که باهزاران ریب وریا تحت عنوان خدمت بجامعه گاه و بیگاه چون بتان عیسار خود نمائی میکنند. برای حفظ موقعیت خود بدون توجه به پریشانی و درماندگی مردم و بدون درنظر گرفتن نتایج مضر اعمال خود برای جامعه بهر اقدامی که منافع آنان را تامین نماید دست می‌زنند

مثلا چند نفر سودپرست برای رسیدن بمراد خود شخصیت و حیثیت و حقوق جامعه یهود ایران را زیر پا نهادند

در اثر اعمال نفوذ خود در امور را وگرداندن آن طبق هوس و میل خود بر موجبات خرابی اوضاع افزوده‌اند

بدعت غلط وسنت ناصحیحی که یادگار چند نفر جاه طلب غاصب می باشد این است که هر کس هوس می کند وکیل شود اول کوشش می کند که اساس حبرای سابق را که مدتی صحیح یا نا صحیح کارهائی انجام داده است بهم بزند و آن را بروفق مراد خود تغییر دهد

این عمل کاملا غلط گذشته از زیان‌های فراوانی که در بر دارد دو نتیجه شوم ومضر نیز همراه دارد اول این که بالفرض حبرای پیشین انجام کاری را اقدام نموده باشد (که تاکنون مردم شروع آن را هم بنفع خود سراغ ندارند)

در اثر کودتای ا وکیل بلا موکل

بقیه در صفحه ٤

رپورتاژی از زندگی یهودیان درزاغه‌های محله

محل زندگی انسانهاست

یا گورستان مرده‌های متحرك؟

پس از طی چند کوچه کل آلود بمحوطه نسبتا بزرگی میرسیم که دورتا دور آن را دکان‌ها ومحل سکنی هزاران تن از محرومین اجتماع مافرار گرفته‌اند

برای خوانندگان خود تهیه کرده‌ایم.

یقین داریم که اطلاع از همین چند صفحه کافی است که انسان بی بوضع رقت بار ونابسامان اکثریت یهودیان تهران ببرد ودرك کند که نیمه دوم قرن بیستم برادران ما با چه فقر ودرماندگی گرفتارند.

قبل از همه انسان بدکه های متعدد گوشت فروشی نظرش جلب میشود یك پسر ده ساله که بایستی اکنون پشت میز دبستان باشد با لباسهای مندرس و چشمهای تراخمی مقداری جگر را روی زمین پهن کرده ومشغول فروش است

اغلب خریداران گوشت دور ما را احاطه کرده واز ما طلب میکردند در روزنامه بنویسیم که یهودیان مجبورند گوشت را یك برابر ونیم از قیمت معمول؛ گرانتر بخرند وتازه با این قیمت هم با هزاران مشکل دیگر روبرو هستند.

مسئولین ما ببهانه تهیه گوشت «کاشر» روزی هزاران ریال از کیسه فقیر محرومین ما غارت می کنند؛ هزاران نفر برای تهیه هرقدمی که برمیداریم منظره جدیدی از فقر ودرماندگی وبیسر وسامانی انسان های قرن بیستم بچشم ما میخورد اگر بخواهیم واقعیتها را یکایك بروی کاغذ بیاوریم صفحات روزنامه گنجایش آن را نخواهد داشت.

ولی ما منظری چند از هزاران صحنه های غم انگیز و فجیع محله کلیمیان

این اطفال از یك خانواده محروم بی سرپرست جامعه ما میباشند اگر شرائط اجتماعی صحیحی برقرار بود اینان افرادمفیدی بارمیآمدند بقیه در ص ۳

پایه‌های این خانه چون پایه‌های اجتماع خراب مادر حال فروریختن است. این پدر پیر برای تامین زندگانی فرزندان خود حیران است.

آیا کوره های آدم سوزی بازهم در انتظار بشریت است

در این هنگام که نهضت های ضد استعماری ملتها برای گسستن زنجیرهای اسارت وبردگی در سراسر جهان اوج گرفته شرق وغرب ازمراکش تا مصر وازمصر تاایران واز ایران تا اندونزی را فرا می گیرد، تحریکات وتوطئه‌های بین‌المللی حامیان فاشیسم نیز در اغلب کشورهای مستعمره وغیرآزاد جهان برای سرکوبی مبارزات ملت ها آغاز شده است.

درایران ماهنگامیکه یکی ازحساس ترین وسخت ترین دقائق تاریخ طی می‌شود زمانیکه ملت قهرمان ما برای برانداز در آوردن استعمار کهنه کار و رقیب تازه وارد آن ضربات متوالی وشکننده بر پیکر آنان وارد می کند، دشمنان آزادی ملت ما حامیان فاشیسم که موقعیت خود شان را دربرابر نهضت ملت ایران سخت وخیم وخطرناك می بینند برای منحرف نمودن اذهان وسرگرم کردن افکار و پرده پوشی فعالیت‌های ضد ملی خویش بتشبثات گوناگونی متوسل شده وباجعل عناوین موهوم وساختگی وایجاد توطئه‌های رنگارنگ وتفرقه اندازی میان ملت میخواهند صنوف فشرده ملت را که یاعاملین واقعی سیه روزی و بدبختی خود درستیزه ومبارزه است بشکافند و توجه ملت را که بسوی آینده است بطرف دیگر منحرف سازند.

بااینکه فقط شش سال ازپایان یك فاجعه بزرگ تاریخی، ازجنایاتی که تاریخ بشریت کمتر بخاطر دارد می گذرد وهنوز

بقیه در صفحه ٤

فصلی از تاریخ یهود

وضع یهودیان روسیه در جنگ ۱۸-۱۹۱٤ وتاثیر انقلاب اکتبر در زندگی آنان

آغاز جنگ بین‌الملل اول جنگی که بخاطر تقسیم مجدد مستعمرات بین دولتهای بزرگ برپا شده بود صفحات خونین دیگری بر تاریخ یهودیان روسیه افزود.

صدها هزار از جوانان یهود بهمراهی ملیون‌ها جوانان ملل دیگر روس، کرسی قفقاز، اوکراین .. برای دفاع از منافع سرمایه داران روسی، انگلیسی، فرانسوی وامریکائی و حفظ سلطه وستگاه تزاریسم که همواره آن‌ها را می آزرد و کشتارهای موحشی از آن‌ها براه یانداخت، بمیدان جنگ روان شدند.

بقیه در صفحه ۲

درد دل اوستا سلمونی

آقای مدیر خدا می‌دونه همه اون چیزائی که در خصوص تحریکات شیطانی تو روزنومه نوشتین درس از زبون ما فقیر فقرا نوشته شده بگذار باقی را هم من بگم.

من از این‌هائی که اسمشون نماینده کار رفلان گذاشتند خیلی دل پری دارم وقتی می کم من، یعنی همه مردم متوسط حال وبیچاره. این آقایون فقط چیزی که

بقیه در صفحه ۲

سئوال یك خواننده از خوانندگان بنی آدم

یکی از خوانندگان ما صرح زیررا یادداشه روزنامه فرستاده است. ما با پیشنهاد ایشان موافق بوده و از شماره بعد ستون مخصوصی را ببحث و پاسخ خوانندگان بطرح ایشان، اختصاص می دهیم.

روزنامه گرامی بنی آدم!

من بعنوان یکنفر یهودی علاقمند بترقی اجتماع خود، همواره در این فکر بوده ام که: «اقلیت یهود ایران درچه شرایطی می تواند سعادتمند زندگی کند. وظیفه هرفرد یهودی در ایجاد زندگی مرفه و فارغ از هر گونه محرومیت وفشار چیست؟» من این سئوال را نزد خود مطرح

بقیه در صفحه ۲

درددل اوستا سلمونی

بقیه ازصفحه ۱

برای ماها دارن هزارمن‌نیس وافاده و وگرنه بخداقسم وقتی می گم بخدا اقسم راس می گم.اینا هیچ‌کاری برای امثال‌ما ها نکنن یعنی نمی‌تونن بکنن

مثلی است مشهور میگن « سیر از گرسنه خبر نداره و سوار از پیاده» حالا آقا چون‌من اینا کی تاحالا یك‌شب گرسنه موندن که بفهمن گرسنگی چیه یا کی یك جگر گوشه‌شون از بی دوائی و بی دکتری تو دو منشون چون‌داده که از دردل ما اطلاعی داشته باشن.

آقایون میشینن جلسه می کنن باسم‌ما، گویا برای ما مردم اما همش یاتعریف شق القمرای خودشونه که برخ هم‌ـی کشن یا تفریح می کنن ویاتون بهـم قرض میدن اون‌وقت اقا دهـ.اشون را بحساب ما می گذارن.

گوش کنین تایك قصه از مرحـوم عبیدزاکانی براتون بگم

عبید تعریف می کنه یه‌وقـت درکار شون یك نفرکه اسـمش عمـران بوده گرفتن وکتنك حسابی بهش زدن یك‌خیرچی اندیش پرسید.

آخر بابا چرا این‌بیچاره بی گناه رااین قدر می‌زنین؟گفتن گناه از این بیشتـر چیه گذشته از اینکه اسمش عمره ،الفـو نون‌عثمان را هم به‌اون اضافه کرده.

حالا آقای مدیر شما چه انتظاری از این آقایون‌دارین؟اینا که می دونـن همون طورکه جن‌از بسم اله فرار میکنه این طبقه از اجتماع مردم بدشون‌میاد و واقعا هم که می ترسن حالا شما گذشته از این که تشکیل جمعیت دادین تازه یك روزنومه آبرومند و محکم و متین هم دارین پرده غلطکاریای اونارو پاره میکنه البته اگرکسی هم پیدابشه یاتو کفش من که یك نفر سلمونی فقیری‌هستم بکنه منم بدم میاد.

آقای مدیر من‌از طرف همه پـا برهنه های محله و دهات و شهرسوناو همه ایـرالای سرگردون میون‌قبرسوناو تموم گشنه هائی که همه‌شب‌سربی‌شام‌زمین می گذارن بشما می گم‌وبشما تاکیدمیکنم که تموم این امایندههای‌قلابی که تاحالا یك قدم برای‌مردم برنداشتن وبعدازاینهم اگر وکیل بشن‌بر نمیدارن نه‌با ما رابطه دارن‌ونه‌ماواونارا ازخودمون می‌دونیم‌شما بگذاربرهرشکری‌اونا دلشون‌می‌خواهد بخورن هر تهدیدی می‌خوان بکنن وهر کاری که ازدستشون برمی‌یاد کوتاهی نکنن من بصدای بلند بهشون میگم‌طرف کلام من‌هم این‌انجمن‌هاوانجمن‌چیهاو نمایندههاو وغیره‌است.

ماها احتیاج بخیلی چیزا داریم‌که شما لیاقت تامین کردن اونـارا ندارین وضع اجتماعی ما خیلی درهم برهمه از اول‌محله‌تا اخرش‌همه‌مریض ومفلوکند‌کو یك‌مریضخونه یا در مانگاهی که اونا را معالجه کنه

چوونهای ما همه‌سـرگردون ودر بدرند‌کو یك‌باشگاه یایك‌جای‌ورزش‌یایك کتاب خونه کـه شما برای او نـادرس کردین‌که این نوگل‌های جامعه ما فاسد نشن

بطوریکه‌شنیدم بعضی ازاین‌آقایون میون بعضی کنیساها بلبل میشن وتنها قاضی رفتن‌دام میخواس توی کینیسای‌ما بود تاخوب ازعهده‌شون بر میومدم این بوف کورها چشم ندارن روشنائـی را ببینن اینها هروقت ازیك گوشه نوری درمیاد چشماشوازمیزنه. عوض‌اینکه‌رفع عیب چشم ناقص‌خودشونا بکنن صدهزار کفر و کافری‌بروشنائـی میگن. آقای مدیر من اطلاع دارم،من میدونم هروقت یك‌روزنومه یاجمعیتی‌درمیون ما ایسرالا درس شاعوری یکمـده انگشت شماری که درجامعه باندازه پرکاهی ارزش و لیاقت ندارن گردن‌شق کردن‌وغرضای‌خود شون‌را توقافه‌دین ومذهب‌پیچیدن ونوحه خونی کردن.

روزکیپور گذشته که بیانیه شما راآوردن‌توکنیساهابخونن‌دهن‌یکی‌ازهمین عالی جناب ها اینطور گف کرده بود که بیا وتماشاکن،داشت زمین وآسمون را بسر خودش می‌زد.

من بهش گفتم بابا چه‌خبره چرا داد وبیداد میکنـی گفت آخه امیدونی گفت جای نماز و«طفیلا» است اینجا حرفهای سیاسی نمیشه زد.

بهش گفتم آخه داداش چون ترکه اسمتو «هالیج‌صبپور» گـذاشتن اینقدر نفهمیدی اگر جای نماز بود میـگفتنـن «بت‌هطفیلا» اینجا «بت‌هکنست» است یعنی جای اجتماع مردم برای کار های اجتماع اینجا بایست جمع‌بشن این‌بیانیه‌ها واینطورصحبتهانفقط‌جاش کیلساست‌ولاغیر

خلاصه آقای مدیـر من میدونم و اوناهم میدونن وهمه مـردم هم خوب اطلاع دارن این روزنومه واین جمعیت فرهنگی ازنون‌شب برای جامعه‌ایسرائل واجب‌تره جامعه هم بطور یقین ازشما طرفداری میکنه؛میدونین‌چرابرای‌اینکه حالا همه چشم وگوشای مردم داره وا میشه وهمه خوب فهمیدن که سایه‌مبارك این آقایون باید از سرما کم بشه و کارهای جامعه‌ر را بمردم خودشون باید بدست خودشون بگیرن‌بی‌جهت درانتظار اینا نباشه.

اما این آقایون چون میدونن که تخت آقائی شون‌بـردوش لاغرو رنجیده مردم باید سوار بـاه بیك ودو ول کن معامله‌نیسن.

این آقایون خوب میدونـن که تا چهل ، مرض وپراکندگی درجامعه نباشه کیسه طمع اونا پر نمیشه از این جهت همیشه وهمه جا باندای فهم ودانش‌مردم مخالفت کرده وهرچه در قوه دارن از عوام فریبی بکار میبرن‌تاهراجتماعی را لجن مال کنن‌وهرچراغی راخاموش نمایین اما بی‌خبرن هرچراغی‌را که جامعه‌خودش بدست خودش روشن‌کنه مطمئنا اورش روز بروز زیادمیشه‌وفقط چشمای‌اوناس که نمی‌تونه این نـور را ببینه بگذار بقول مرحوم مولی

مه نشاند نوروسث هوهو کند

حقیر سراپاتقصیر اوستاسلمونی

بنی‌آدم:ازجناب«اوستا»سلمونی تقاضا داریم مقالات خودرا اندکی خوش خط تر بنویسندتاحرفچین بتواند بخواند.

فصلی از تاریخ یهود

بقیه ازصفحه ۱

این گرفتاری،یك‌مصیبت عمومی‌بوده که‌تمام مردم‌روسیه‌دچار آن گشته بودند. ولی بدبختی دیگری که‌خاص یهودیان‌بود این بود که مامورین تزار بعلت اطلاع از نارضایتی‌عمومی‌توده‌یهودی ازاستبداد تزارخیم ، باکمال شقاوت، ودیانی‌را که در حدود جبهه‌سکنی داشتند از برد و بورك از منازل خود می‌راندند و چون اسیران،آواره‌وسرگردانشان می کردند وبالاخره پس‌از تلفات فراوان و تحمل رنج و مشقت بیحد آنانرا بمشرق‌روسیه کسیل داشتند.

تزازیسم که از انقلاب وجنبش‌ملت هراسان بود؛از این بیم داشت که یهودیان در بوجودآوردن انقلاب که از مدت ها زمینه‌آن فراهم‌بودشرکت موثری بمانند.

درغالب‌شهرهابزرگان وروحانیون یهودرا بعنوان گروگان توقیف کرده ابلاغ داشتندکه درصورت شکست قشون روسیه آنهارا تیرباران خواهند کرد

این کیفیت نفرت شدیدی‌را که‌نسبت بحکومت تزاری دردل ستمدیدگان‌یهود و بطورکلی در قلب آزادی خواهـان روسیه وجود داشت صد چندان کردانقلاب فوریه ۱۹۱۷ که درآن دستگاه‌تزازیسم سرنگـون و حکومت‌موقت بورژوازی جانشین‌آن گشت بوجودآمد.

یهودیان باحرارت تمام در انقلاب شرکت‌نمودند نیکلای دوم ازتخت بزیر آمدودرآخرمارس ۱۹۱۷ تساوی‌حقوق برای همه اعلان گردید.

ضمنا حقوق وآزادی اجتماعی‌یهود هم برسمیت شناخته‌شد.

ولی این انقلاب‌آزادی‌کاملی‌بملل ساکن روسیه نبخشید ، همدستان‌وسازش کنندگان با دستگاه تزاری حکومت را دردست گرفتند وبرای حفظ منافع طبقه سرمایه دار روسیه ودولت های‌انگلیس وفرانسه وامریکا جنك باآلمان‌را ادامه دادند.

ملت مخالف جنك‌وخونریزی‌بخاطر منافع دیگر ان بود ولی گروهی کـه حکومت یافته‌بودند توجهی‌بمنافع ملت نداشتند.

انقلاب اکتبر آزادی ناقصی راکه مردم در جریان انقلاب فوریه بدست آورده بودند تکمیل نمود. حکومت در دست ملت ، کارگران ودهقانان افتاد؛ جنك باآلمان موقوف گردید؛ فشار و آزار بریهود داشت ازبین‌میرفت ولی وقوع جنگهای داخلی بین انقلابیون و قـوای ضد انقلاب که بتحریك دول انگلیس و فرانسه و آمریکا بـرای برانداختن حکومت انقلابی و از بین بـردن آثار انقلاب اکتبر دست بکار شده بودنـد مصائب‌جدیدی برای‌یهودیان‌بار آورد

کتاب تاریخ یهود این جریان وسرانجام آن‌راچنین خلاصه می کند:«حزب بلشویك تحت رهبری‌لنین پس‌از یکدوره جنگهای طولانی‌حکومت رادر دست گرفت و از جنك‌عمومی کنارگشید ولی آنوقت‌جنك طبقاتی در گـرفت روسیه بچند قسمت تجزیه شد واوکراین که بیشتر یهودیان درآن بسر می‌بردند مستقل گردید

سپس میان مسکو و اوکراین‌جنك درگرفت(مقصود بین حکومت انقلابی و قوای ضد انقلاب) و دستجات سیاه ضد انقلابی بفرماندهی «بلیتورا»همان صحنه های وحشتناك خمیلنتسکی وهایدامك‌ها راتجدید نمودند (این‌صحنه‌ها عبارت‌است ازکشتار فجیع یهودیان درجریان‌شورش دهقانی کـه در سال های ۱۶۴۸ و ۱۷۶۸ درلهستان و او ترایین رخ داد ودر جریان آن در حدود ۳۰۰هزارنفر یهودی قتل‌عام شدند)

شمارآن‌ها(یعنی‌دستجات‌ضدانقلابی) «کشتن‌یهودی‌ها و بولشویکها» بودودر صدها نقطه جامعه‌های یهود را بدست‌نابودی سپردند.

سربار این‌مصائب پوگرومهائی‌بود که روسهای سفید ضدبلشویك بسرپرستی «دلیکین» ایجاد کردند قشون سفید که ازجنوب روسیه بسوی مسکـو میرفتند یهودیان‌را بولشویك پنداشتند ود رراه همه را بقتل رسانیده غارتشان میکردند بالاخره قشون‌سرخ پیروزشد ویهودیان از مرك حتمی نجات یافتند ولی‌هنوزفقر وگرسنگی دامنگیر مردم بود باپیشرفت کمونیسم اوضاع کشور اتحاد جماهیـر شوروی روبه بهبودی گذاشت ویهودیان هم با آن‌محیط‌سازگار شدند ومخصوصا چون حکومت جدید اختلاف مذهب و نژاد را کاملا ازبین برد یهودیان از نهضت ضدیهودی‌دیگری در امان‌شدند.

ستون خوانندگان

آقای م . خلیلی ـ تهران‌قسمتی‌ـ‌از نظریات‌شما در مقاله‌ای که‌تحت‌عنوان «آیا در اینصورت صنعت نفت بملی بودن خود ادامه خواهد داد » نگاشته اید صحیح است ،نوشته‌اید :«باکمال اطمینان بایدگفت که سیاست شوم امپریالیزم خونخوار بود که‌هر دقیقه با اختلافات نژادی ومذهبی‌مملکت‌را دچار هرج‌ومرج مینمود وازآب گل‌آلود ماهی‌میگرفت حال دیگر ملت ایران هوشیار شده‌است و بسیاستهای شوم استعمار می‌خندد.ملت ایران‌نباید زیربارأوهام و خرافاتی کـه بوسیله عده‌ای جاه‌طلب انجام میگیردبرود. امروزروز تمدن ویگانگـی و بشر دوستی است .امروزدنیا باتحاد واتفاق ووحدت و یگانگـی احتیاج دارد ملت ایران اگربخواهد قدمی بجلـونهد چـاره‌ای جز نابـود سـاختن سیاستهـای گذشته‌که درگوشه وکنار خود نمائی می کنند ندارد » این نظر صحیح ومورد موافقت هر فرد مترقی‌می‌باشد ولی‌درآنجاکه نوشته‌اید :

« اگر در ایران باز بخواهد خیمه شب بازی‌های سابق دوباره درصحنه سیاست امروزی تجدید شودآیا در اینصورت صنعت نفت بملی بودن خود ادامه خواهد داد ؟»

بنظر می‌رسدکه تصور کرده‌اید که‌خیمه‌شب بازیهای سابق‌از بین‌رفته‌است ولی شمابیم دارید از اینکه دو باره تجدید شود .

سئوال اخیر شما ازلحاظ‌دیگری نیزقابل‌بحث است‌که این ستون کنجایش آن‌را ندارد .

آقای م. مقاله‌ای‌تحت عنوان «ماهم باید ازاین‌حق‌مشروع‌استفاده‌نمائیم» نگاشته‌اندکه قسمتی ازآن ذیلا درج می‌شود :

«دخالت درسرنوشت ملتی مربوط بعده انگشت شمار و بخصوصی نیست . . . این امرمربوط بکلیه افراد ملت است وهمه باید درتعیین آن‌سهیم باشند . دردنیای فعلی هرشخص با شعوری می‌تواند بفهمدکه روا نیست انسان صبح تاشام جان بکند وباهزاران محرومیت وبدبختی روبرو شود .

. . . درخاتمه با صدای بلند می گویم یهودی هم انسان‌است و چون هر انسانی حق دخالت درامورمربوط بخود را دارد ، ما هم می توانیم و بایستی در سیاست یعنی درتعیین سرنوشت خود دخالت‌کنیم وهیچ قدرتی هم نمی‌تواندمارا ازاین حق مشروع منع نماید »

بقیه سئوال یك خواننده

نموده‌ام و درنتیجه مطالعات و تحقیقاتی که در تاریخ یهود بعمل آورده‌ام پاسخی برای آن یافته‌ام ولی از لحاظ اهمیت موضوع پیشنهاد می کنم این سئوال را در روزنامه بنی آدم مطرح و از خوانندگان بخواهید درباره آن نظر بدهند تا ازمجموع نظریات‌و بحث‌هائی که‌دربارهٔ آن بعمل‌می آیدراه‌صحیحی درمقابل‌علاقمندان باصلاح جامعه ما باز گردد

ن ـ منعم

افتتاح کلاسهای عبری و فارسی

بدینوسیله باطلاع کلیه علاقمندان بآموزش زبان عبری و همه بیسوادان میرساند ، کلاسهای ابتدائی عبری وفارسی‌در هفته آینده افتتاح خواهد شد ـ لذا برای نام نویسی در این کلاسهاهمه‌روزه‌از ساعت ۷ـ۵ بدفتر جمعیت واقع در چهار راه مخبرالدوله‌جنب قراقتخانه شیروانی مراجعه فرمائید.

ضایعه اسفناك فوت‌آقای‌عزیزاله نهورایان را بخانواده آن‌مرحوم خصوصا بدوستم آقای سعیدنهورایان تسلیت می گویم

یعقوب کهن

بنی آدم ـ ما مصیبت وارده‌رابخانواده محترم نهورایـان تسلیت می گوئیم

بنی آدم

ارگان جمعیت فرهنگی واجتماعی یهودیان ایران

صاحب‌امتیازومدیر: آقای‌لقمان‌صالح

نشانی:مخبرالدوله‌ـجنب‌قراقتخانه‌شیروانی

آبونمان

۳ماهه	۲۵ ریال
۶ماهه	۵۰ «
یکساله	۱۰۰ «

توضیح

چون هیئت تحریریه روز نامه د حك واصلاح مقالات وارده مجازاست ازاینرومقاله « ما ومردم » که درشمار گذشته چاپ‌شده بودحك واصلاح‌وقسمتی ازآن‌حذف گردیده بود

هیئت تحریریه بنی‌آدم

محل زندگی

بقیه از صفحه ۱

گوشت مصرفی خود از سر و کول هم بالا می‌روند و معلوم نیست پس از این همه مرارت موفق بخرید گوشت بشوند

این موضوع البته برای آن عده‌ای از یهودیان مطرح است که دستشان بدهنشان میرسد و تا اندازه‌ای توانائی خرید گوشت را دارند و خوانندگان مادر سطور زیر بامردمی آشنا خواهند شد که شاید ماه‌ها تا ماه یك گرم گوشت درسر سفره خود نبینند.

پیر مردی که اکنون باید بحساب اجتماع مشغول استراحت باشد، روی انگشتی چندتان سیاه پهن کرده و اطراف آن عده‌ای زن و کودك جمع شده و از آن خرید می کنند.

در هر گوشه بتعداد بی شماری از کودکان تراخمی وژولیده بر خورد می کنیم که بعوض مدرسه وکتاب و تفریح درلجن‌زارها و خاکروبه‌های محله غوطه ورند.

این کودکان از لحظه‌ای که چشم کشوده‌اند خودرا در این باطلاقها و بیغوله ها یافته‌اند.

ماشاهد منظره فجیعی از زندگی این کودکان بودیم.

پهلوی یکدسته از این کودکان کنار دیوار زنی روی زمین مثل مرده‌ای دراز کشیده وگاهگاهی که سرفه اورا میگرفت بلند می‌شد و پس از سرفه‌های زیاد و پشت سر هم که درحدود یکدقیقه طول می کشید دوباره می‌خوابید و بزمین و آسمان نفرین میکرد.

اطراف محوطه محله دخمه هائی با یك مدخل کوچك وجوددارد دراین اطاق ها (اگر بتوان نام اطاق بر آنها گذاشت) درعین حال که مقداری خوردوریز و آشغال برای فروش گذاشته‌اند چندین نفر سکنی دارند.

تا اینجا صحنه هائی را برای خوانندگان تشریح کردیم که همه ما دررفت و آمد روزانه خود آنهارا مشاهده می کنیم ورد می‌شویم ولی برای اینکه دقیق ترو از نزدیك بزندگی برادران خود آشنا شویم تصمیم گرفتیم بکوچه های متعدد محله کلیمیان مراجعه ومناظری چند از محل سکنی وزندگی این محرومین اجتماع تهیه و بخوانندگان خودعرضه داریم.

بیك کوچه فرعی وارد شدیم این کوچه پر پیچ وخم که یادگار عهدعتیق را در انسان زنده میکرد چنان تاریك بود که ما باروشن کردن کبریت از آن گذشتیم چند قدمی جلورفتیم از دری که باز بود وارد محوطه‌ای شدیم که نام حیاط بر آن نهاده بودند شاید ساختمان اطاق‌های این مخروبه متعلق بیستقرن پیش باشد اثری از سنگفرش درصحن معقر حیاط نبود ودر نقاط مختلف آن بواسطه جمع شدن گل ولای بوی عفن مشمئز کننده ای به مشام می‌رسید

اینجاها بیدبختی شگفت آور برادران خود پی بردیم.

دریك طرف حیاط چندجل و پلاس پهن کرده بودند.

اینها پوشاك ساکنین این دخمه بود که برای خشکاندن روی زمین پهن نموده بودند.

درطرف دیگر بواسطه خراب شدن دیوار تپه خاکی بوجود آمده بود.

ابتدا تصور کردیم که دراین محوطه یك خانواده زندگی می کنند ولی بعد فهمیدیم که بالغ بر ۹ خانواده در زاغه‌های معمود این به اصطلاح حیاط زندگی می کنند.

از کنار چاله پر از لجن وسط حیاط که مایع محتوی آن را «آب» مینامیدند بطرف دریکه لیمه باز بود رفتیم ولی چون درو پیکر آن سیاه بود بفکر اینکه آن‌جا آشپز خانه است خواستیم بطرف دیگر برویم ولی ناگهان کسی ازداخل آن خارج شد وما را صدازد.

زنی بود که درحدود سی وپنج سال ازعمرش میگذشت، لباسهای مندرس و پر از وصله اش بسختی تن نحیف اورا می پوشاند.

بلافاصله پس از خروج اوچند بچه و یکدختر جوان ازدربیرون آمدند.

مادر آن‌ها برای ماشرح داد که با یك مشت بچه اینجا زندگی می کنیم هر چه دقت کردیم چیزی که کف مرطوب اطاق را بپوشاند نیافتیم.

در این اطاق که طول وعرض آن دو متر، ویکمترو نیم ارتفاع داشت هفت نفر زندگی می کردند.

مادرشان که «زینت» نام داشت شرح مفصلی ازسرگذشت خودداداو گفت:

«من و شش بچه در اینجا زندگی می کنیم شوهرم چند سال است که مرده است.

من و بچه‌هایم بابدبختی زندگی می کنیم اگر جائی برای رختشوئی رفتم لقمه نانی برای بچه‌ها تهیه می کنم وگرنه مجبوریم باگرسنگی سر کنیم

بچه‌ها هیچکدام مدرسه نمی روند و روزها در کوچه‌ها و خیابانها ویلان وسرگردانند.»

او از ما تقاضا می کرد که فکری بحال او بکنیم.

پس ازآن که باو دلداری داده و آینده خوشی را برای او وبچه‌هایش نوید دادیم بایکدنیا تاثر اطاق آنها را ترك کردیم.

مجاوراطاق «زینت» جائی به مراتب کثیف تر و کوچکتر وجود دارد مدخل آن را پرده هزاروصله‌ای می پوشانند. اینجا شبیه راهروی بود که دومترطول داشت دوطرف آن کاملا باز بود.

درین راهرو هشت نفر زندگی می کنند.

زن جوانی که خود را مادر این خانواده معرفی می کرد می گفت شوهرش «العازار» عملگی می کند وتازه درماه بیش از چند روز کار گیرش نمی آید. معلوم اینکه در روزهای بیکاری او ما بایدگرسنگی بکشیم.

دراینموقع بیش از پنجاه نفرزن مرد وپسرو دختر که بسی رنج کشیده و ناکامی دیده بودندو هیچکدام قیافه طبیعی نداشتند ما را احاطه کرده ودر خواست می کردند که دخمه های آنان برویم و بدرد دلشان گوش دهیم.

این محرومین تصورمی کردند که با گفتن درد دل خود شاید روزنه امیدی برایشان بوجود آیدواز این منجلاب رهائی یابند.

شاید درتمام طول زندگیشان برای اولین بار بود که عده ای برای سرکشی بزندگی خانواده‌ها بسراغ آنان آمده بودند.

بچه ها با قیافه‌های معصوم خودبما می نگریستند، اغلب شلوارنداشتندوتنها پوشاکشان پیراهن پاره‌ای بود. برای نمونه یکنفرازآن‌ها سالم نبود.

یکی تراخم داشت، یکی کچلی سرش راکاملا طاس کرده بود، دیگری یك پایش دراثر رطوبت زاغه ها لنك شده بود و خود را بزمین می کشید.

بسردابه هائی هدایت شدیم که شش خانواده درآنجا زندگی میکردند.

بچه‌های آنها وسط حیاط جمع شده ودرمنجلابها و گل و لای می‌لولیدند.

سرپرست یکی ازاین خانواده‌ها درمقابل سئوال ماتوضیح داد: «ماچهار نفرهستیم که دراینجا زندگی می کنیم شوهرم «رفائل» کهنه فروشی می کند و لقمه نانی برایمان تهیه می کند» باحالت گریان وغم انگیزی فریاد کشید.

«من بیست ودو تابچه داشتم که در اثر فقر بیست تای آنان مردند و اینك بیش از دودختر برایم باقی نمانده است».

جمعیت انبوهی دور ماحلقه زده بود اینان مارا ملجاء وپناهگاه خود تصور می کردند و هر کدامشان بااضطراب و تاثر خاصی بدبختی خودرا شرح می‌دادند وازما تقاضای یاری و ساعدت می کردند

یکی میگفت «شوهرم تریاکی است باچند سرنان خورکسی راندارم که درین سرمای زمستان بدادمان برسد»

دیگری تعریف کرد که:

«زنم سل دارد، صبح تاشب خوابیده است، منهم بااین حالت پیری کاری از دستم برنمی آید، بچه‌هایم گرسنه‌اند».

سومی بافریاد باخطاب کرد:

«زمستان شروع می شود درحالی که پول نداریم خاکه ذغال بخریم اگر کسی بفریادمان نرسد همگی ازدست می‌رویم».

...

با یکدنیا تاثیر محله راترك کردیم درحالی که هنوزهروقت آه وناله محرومین بخاطرمان می رسد سخت آزارمان می دهد.

آری خواننده عزیز اینست وضع زندگی اکثریت جامعه محروم ما. هروقت با مسئولین جامعه ایسرائل صحبت می کنیم می گویند مبادا ازما انتقادی کنیدو یا از وضع محله چیزی در روزنامه بنویسید که آبروی ما پیش دیگران خواهد ریخت اینان چون میدانند که در اثر غرض ورزی و حکمرانی خود و نظائرشان اکثریت افراد جامعه ما باین روز سیه نشسته‌اند بیهانه آبروریزی اصرار می‌ورزند که ازوضع مردم در روزنامه‌ها چیزی نوشته نشود.

جامعه یهودیان جزئی از اجتماع ملت ایران محسوب میشود این وضع پریشان برای اکثریت افراد ملت ایران باشدت بیشتری وجود دارد. اگر نسیم کیلومتر ازمحله بطرف جنوب برویم بزاغه‌ها و دخمه‌هائی بر خورد می کنیم که هموطنان محروم مسلمان ما بابدبختی شدیدتری درآنجا مسکن کرده‌اند.

سایرهموطنان ما نیزبهمین ترتیب بااین محرومیت ها وناکامی‌ها دست و وپنجه نرم میکنند.

این مختص یهودیان نیست که بگوئیم اگر ازوضع مادیگران مطلع شوند آب روی ماخواهد ریخت.

مسئولین جامعه ما که کوچکترین ارتباطی با ملت ندارند باتحمیل کردن خود بردوش اکثریت جامعه ایسرائل وهمچنین اولیاء امور بطور کلی مسبب واقعی این پریشانی‌ها ودرماندگی‌های عمومی بشمار میروند.

تمام ناکامیهای ودربدری ها معلول حکمروائی هرزیان بیچیتی است که برما فرمان روائی دارند.

هیچکس بدبخت آفریده نمیشود این محیط زیست ماست که مارا درخودپرورش داده وتربیت میکند.

اگر ماشرایط زندگی محیط خودرا تغییردهیم امکان خواهیم داشت باشرایط مناسب ومرفه زندگی کنیم.

اگرما اراده کنیم که باینوضع خاتمه دهیم باید مسلم بدانیم که موفق خواهیم شد.

برای خاتمه دادن باین زندگی پراز رنج و درد باید متحد شد و بعداز ثمره اتحاد بهره گرفت.

اگر بخواهیم بابی‌حالی وبی‌اعتنائی بکارها سروصورت دهیم بااز دستگاه فعلی کوچکترین امیدی بدل راه‌دهیم جز باطل چیزی نیندیشیده‌ایم.

تاریخ بماشان می‌دهد که تاجنبش اجتماع نباشد هیچگاه ناملایمات ازصفحه زندگی محو نخواهندشد.

بایستی علل ناکامی‌ها رادرك کرد و پس ازوقوف کامل بریشه محرومیتها باروشن بینی تمام برای نابودی نابسامانیها وغم و اندوه زندگی کوشش کرد

این راهم باید دانستکه باصدقه و مساعدت کار درست نخواهدشد.

هیچگاه جلوی فقررا باصدقه نمی‌توان گرفت باید فکراساسی کرد تابرای همیشه این وضع نکبت بار ازبین برود خانه‌از پای بست ویران است باید از پایه شروع بتجدیدساختمان کرده و اجتماعی نووآباد، خالی از غم واندوه و فقر ساخت واین جز بکمك طبقات محروم اجتماع و کوشش آنان میسر نخواهدشد

تااین محیط عفن وجود دارد، عده زیادی جان می کنند و معدودی بر آنان حکمرانی می کنندباید محیط راعوض کرد تازندگی کامکار و آینده درخشانی بوجود آید.

آیا انتخابات

بقیه از صفحه ۱

اینان می کوشند کشورما رابپایگاه جنگی خود مبدل سازند و خانه ومسکن مردم بی گناه ایران را برای تامین منافع شوم خود دچار طعمه حریق بمب وخمپاره گردانند.

جنبشی که در خاور میانه بخصوص در ایران و مصر پدید آمده است سد بزرگی درمقابل نقشه‌های پلیداین گروه میباشد.

بنابراین کوشش می کنند که این جنبش رابسکون بدل سازند

صداها رابخوابانند نفس‌هارادرسینه محبوس گردانند.

مبارزه مردم ستمدیده خاورمیانه را خنثی نمایند و زنجیر اسارت آنان رامحکم گردانده مانع از هم گسیختن آن گردند.

ترکیب مجلس هفدهم برای تامین این ظربات پلید اهمیت حیاتی دارد

آنها که از بردگی ملل سودمیبرند بوسیله ایادی خود می کوشند

ملت ایران را از شرکت درانتخاب نمایندگان حقیقی خودبازدارند.

سعی مینمایند کسانی را بملت ایران تحمل نمایند که این «مسائل معوق» را برای آنان حل کنند.

امامسلما ملت بیدار ماهم درمقابل این جریان که بستگی باستقلال وآزادی وی دارد ساکت نخواهدنشست.

مسلما مردم دست روی دست نخواهد گذاشت تا غاصبین حقوق ملت هر کار می‌خواهند بکنند. بر حقوق سیاسی اومسلط گردند وکشوررا بورطه خطرناکی سوق دهند.

بی شك ملت ایران دست بمبارزه بی امانی خواهدزد.

پرده ازچهره کریه عوامفریبان، ریاکاران، ودزدان حقوق سیاسی وی برخواهد داشت.

این منظره ای از انتخابات عمومی کشوراست. امادرباره یهودیان ایران وضع از اینهم شدیدتراست:

یك فرد یهودی بجرم یهودی بودن رسماً حقوقش تضییع می گردد. اگرمردم تهران به فرش آزاد بودن انتخابات می توانند ۱۲ نفر نماینده از طرف خود انتخاب نمایند- یهودی تهرانی تنها می تواند یك نفررای دهد؟ تازه این رائی که می‌دهد با آراء یهودیان ساکن شهر های دیگرمخلوط می‌شود!

این اختلاف با هیچیك از موازین حقوقی وفق نمی دهد. با مفاد اعلامیه حقوق بشر که همه مردم رامتساوی الحقوق می‌داندمغایرت دارد.

اما این حق ظالمانه انتخاب یك نفردر سراسرایران هم تاکنون ازیهودیان سلب گشته ودرآینده نیزسعی دارند آنراسلب نمایند.

کافی است فردی که کمترین علاقه‌ای بزندگی مردم ندارد مقامات متنفذ را ببیند، با آنان بندوبست نماید، چند نفر دلال بشهرستانها بفرستد، توصیه‌ای از مامورین محلی بگیرد تا بتواند به‌آسانی برحقوق سیاسی مردم مسلط شود.

ازهم اکنون کسانی که برای ربودن حقوق جامعه ما خود راآماده نموده اند بفعالیت پرداخته اند.

ازیکسومی کوشند هر گونه عاملی راکه سبب بیداری مردم می گرددوجامعه را برای حفظ حقوق سیاسی خودآگاه می سازد ازمیان بردارند.

ازسوی دیگردست بتشکیل جمعیت های انتخاباتی زده‌اند. دسته‌بندی‌ها با عناوین رنگارنك بوجود می‌آورند و برای فریب واغفال مردم هر گونه وسیله‌ای را دراختیار آنان قرارمی‌دهند.

اولین تشبثی که این گروه بعمل آورده است فشار برمدیران مدارس و متصدیان کنیساهاست.

«جمعیت فرهنگی واجتماعی یهودان ایران» برای بیدارنمودن مردم و روشن نمودن ذهن افراد جامعه بتنظیم کنفرانس‌هائی در کنیساها که برای تشکیل اجتماعات یهودی اختصاص دارد پرداخته است.

این گروه که از بیداری مردم بیم دارد واز روشنی ذهن افراد جامعه هراسان می‌باشد بمتصدیان کنیساها فشار آورده است که این محل‌ها را دراختیار جمعیت ما نگذارند واز تشکیل کنفرانس جمعیتهای مترقی جلو گیری بعمل آورند.

یکی ازمدیران مدارس ملی که سالن سخنرانی دبیرستان راهفته ای دو ساعت دراختیار «جمعیت دانشجویان یهودی دانشگاه» گذارده است مورد بازخواست این گروه قرار گرفته و از ادامه این عمل منع گردیده است

مردم جامعه ما اینك برای چند روزی دوستداران ریاکاری پیدا می کنند.

کسانیکه جز بمنافع خود نمی‌اندیشند درآستانه شروع انتخابات دوره هفدهم ازنو بیاد دردهای جامعه می‌افتند

اینان همانهائی بودند که دو سال قبل نیز بحال ملت زار می گریستند ولی بمحض اینکه آراء شمرده شدو آنها از آسیا افتاد دلسوزی هایشان بپایان رسید وبرای دوره بعددر گنجینه مکروتزویر ذخیره گشت.

این گروه بتدریج وارد صحنه انتخاباتی می‌شوندو بفریب مردم می‌پردازند امامسلما مردم گرسنه برهنه وبی‌خانمان گول ظاهر سازیهای آنان‌را نخواهند خورد ودست ردبر سینه عوامل تیره‌روزی خود وارد خواهند آورد.

چاپ خود کار
تلفن ۴۲۸۳

بنی آدم

این روزنامه ارگان « جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران » بوده و بهیچ دسته دیگری بستگی ندارد

جبرا را باید آراء افراد

بقیه ازصفحه ۱

جدید تا تمام میماند وثانیاچنین نماینده‌ای! بااین اقدام ناصحیح خودکوشش میکند برای حفظ موقعیت خویش جبراوجریان را بنفع خود تغیر دهد و آنچنان عمل کندکه هوس وتمایلش باو حکم میکند بدبختانه این بدعت غلط ازسالهای پیش بجامانده‌است .

عیب این است وقتی کسی وکیل می شود افرادجبرای سابق بدون هیچگونه مقاومت خودبخود تحلیل میروندوکناره‌گیری میکنند .

تاکنون سابقه ندارد که جبرائی رسما به وکیل بگوید توحق نداری بمیل‌خود جبرارا تغیر بدهی .

تنها اراده ومصالح اجتماع است که میتواند جبرائی‌را بوجودآورد یا منحل نماید .

ازسالها قبل عده زیادی از مطلعین و روشنفکران چه مستقیم وچه غیرمستقیم و وسیله روزنامه هائی که قبلا وجود داشته‌است نظریات خود را از لحاظ راهنمائی و انتقادنسبت به‌جبرای زمان ونماینده وقت ابراز داشته‌اند و وکیل را ازتشکیل جبرابمیل خودبرحذر داشته اند .

موفقیت وکیل در تشکیل‌جبرای جدیدبمیل خودوانحلال جبرای ماقبل با درنظرگرفتن این که آن‌جبرا نیز واجد صلاحیت نبوده است موید دوحقیقت تلخ است :

اول‌این که نابایدار وسستی وبی شخصیتی وبی‌لیاقتی‌افرادجبرارا مدلل‌می کند ودوم بی‌اعتنائی وکیل‌نسبت بجامعه وخیانت اوبمردم .

زیرا فقط مردم هستندکه می‌توانند افرادجبرارا انتخاب کنندوجبرای صحیحی رابوجودآورند .

یا درصورت اقتضاء آن را منحل نمایند نه امیال یکنفر هوسبازجاه طلب . جز جبرائی که‌ازجانب‌مردم‌نباشدوبدست‌یکنفر سود جوی دور ازملت بوجود آمده‌باشد نمی‌تواند برای مردم کارکند

موید این حقیقت همانا جبرا های مخلوق این دو وکیل‌اخیراست که‌نه‌فقط از انجام‌کاری و خدمتی بنفع مردم عاجز بودند بلکه ویرانی‌های‌تازه‌ای برخرابی های پیش افزودند

اصولا وکیل تحمیلی حق ندارد جبرائی تشکیل‌دهد بلکه مردم هستند که طبق اراده و مصلحت خود محق می باشند اشخاصی راکه دارای صلاحیت‌کافی باشند بروی‌کارآورند وجبرائی‌بر وفق مصالح اجتماع بوجودآورند .

وکیل حق ندارد ریاست جبرا را عهده دارشود بلکه فقط از نظر اهمیت مقامی (تازه اگر ازراه صحیح بآن‌مقام رسیده باشد) می‌تواند عضو جبرا شود آن‌هم برای رهنمائی شدن‌وگرفتن‌تعالیم لازمه والهام کافی ازمردم جهت داشتن بصیرت درمقام سیاسی خود

جبرابایستی از اعمال نفوذهای‌وکیل تحمیلی کاملا مستقل باشدوطبق آئین‌نامه صحیح که ازتصویب‌نمایندگان واقعی‌مردم (که‌برای تشکیل جبرا تعیین شده‌باشد) گذشته باشددرزمان‌مقررو مشخصی‌انتخاب شود .

جبرا بایستی براراده و اعمال‌وکیل کاملا تسلط داشته باشد نه وکیل برجبرا ریاست کند .

این سنت غلط که هر وکیل‌غاصبی بتواند جبرا بمیل خود بسازد باید کاملا منسوخ شودوبدعت آن‌متروک‌گردد

بابودن یك جبرای رسمی‌و قانونی از طرف مردم کارهای اجتماعی‌ماطبق نقشه صحیح و مصالح جامعه بایستی‌تقسیم شود.

نماینده‌مجلس دارای‌وظایف‌مشخصی است‌که بایستی برای اثبات حقوق و احقاق‌حق جامعه خویش‌درمجلس‌شورای‌ملی اقدام‌نماید .

وکیل‌راچه باینکه قصابهارادر برابر خود ژره دهد یاصرافی خاکه ذغال کند یابرای بختن مصالتور بکار گذارد این کارها مربوط بجبرااست

آیا کارهای اساسی تر از لحاظ سیاسی و اجتماعی وجود ندارد که وکیل وقت خود را صرف این کار های غیر مربوط می کندو وکیل راچه باینکه نقش محضر عقدوطلاق را بعهده گیرد ودرامر خلاف زنان و شوهران دخالت نماید ، این کارها و این قبیل امورفقط‌مربوط به جبرا وشعبات آن‌است.

زمانی وکیل حق ودخالت‌دارد که رسماازطرف‌اجبردعوت‌شودوکرله بایستی بدنبال انجام وظایف وجدانی وقانونی خود رود . وکیل بایستی در راه رفع تضیقات و فشارهائیکه بعناوین مختلف برجامعه ایسرائل‌ایران‌واردمی‌شوداقدام کند .

وکیل بایستی علیه کسارشکنیها و محرومیتهائی‌که در مراجع دولتی نسبت به ایسرائلهای‌ایران‌بعمل‌می آیدانجام‌وظیفه نماید .

وکیل بایستی در مجلس‌شورای‌ملی مدافع منافع جامعه یهودوبطورکلی‌ملت ایران باشد و کوشش کند جامعه خودرا از لحاظ‌کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی ایران در ردیف سایر ایرانیان قراردهد واین‌حق راتثبیت کند .

وکیل‌بایستی‌از طریق‌وزارت‌فرهنك محرومیتهای فرهنگی جامعه ایسرائل را بنحو کاملی از بین‌برد

وکیل بایستی‌ازطریق‌مراجع‌قانونی حقوق پایمال‌شده جامعه ایسرائل راباز ستاند .

وکیل بایستی طبق مصالح جامعه خوددرمجلس‌شورا ایملی‌ازجنبش‌های‌مترقیانه ملت ایران‌درراه‌بدست آوردن آزادی‌خود پشتیبانی کندونسبت بدولتهائی که‌علیه‌ملت اقداماتی می کنند اعتراض نماید :

خلاصه‌کار وکیل مهمتر از آن است که بیاید جبرابسازد و برای تلف کردن وقت باچندقصاب‌وبقال خودش‌را در راس آن‌قراردهد .

مامردم‌رادعوت می کنیم‌برای اینکه ازبسیاری از خرابی‌ها جلوگیری‌شود با ما دراین‌امر مهم‌همصداشوند و نگذارند بیش‌از این هرفرد هوسباز و جاه طلبی بنام وکیل ! برحیثیت جامعه ماتازد

ازمردم دعوت می کنیم که باهمقدمی ما وکیل را محدود کنیم که‌در تشکیل وتغییر جبراواحرازریاست آن‌اعمال نفوذ نکند واورا درزمان وکالت خود تحت مراقبت کامل بگیریم که مانند وکلای سلف این‌همه موجد خرابی وبی‌آبروئی وخفت نشوند .

آیا کوره های آدم

بقیه ازصفحه ۱

خون‌های ریخته شده

سی ملیون از افرادنوجوان که قسمت نسبتا اعظمی از آن را یهودیان تشکیل می‌داده‌اند خشك شده‌است ، با این که هنوزازبقایای کوره‌های آدمسوزی « بوخنوالد » وداخاوبوی‌انسان های‌سوخته بمشام‌میرسد

بااینکه‌ملیونهانفرازهم کیشان بوسیله کوره‌های آدمسوزی ؛ اعدام‌های دسته جمعی،اعمال شاقه‌زجرکشی ها از بین رفتند؛

گویا این همه جنایات‌فجیع‌ولطمات شدیدی که برپیکر بشریت واردآمدکافی نیست‌که باتحریك و تشویق فاشیستهاسا تجدید جنایات گذشته‌را آرزومیکنند.

تحریکات‌فاشیستی ونژادی در دنیا روز بروز شدیدتر می شودمجددا « فن پاپن‌ها » و« دکتر« شاخت‌ها»و عمال‌نازی بجنب‌وجوش‌می‌افتندوغائله‌جهانی‌دیگری را تهیه می‌بینند.

درکشور ماهم در این هنگام که علیه مسببین واقعی اسارت‌وبدبختی ملت ایران رستاخیز مقدسی آغاز شده است دشمنان آزادی واستقلال ملی وروز-نامه‌های منتسب بایشان‌که از دیدار این منظره وحشت زده شده‌اند برای‌توجیه علل اصلی بحران‌اقتصادی وورشکستگی عمومی‌و گرسنگی وبی‌کاری‌مردم مسئله موهومی را بنام«خطر یهود»جعل‌نموده وبدستاویز خود قرار داده‌اند یهودیان‌را که باشتبای یك عده معدودا کثریت آنها حتی از ابتدائی ترین وسائل زندگی محرومندمسبب‌واقعی‌خرابی‌وضع‌اقتصادی ایران و فقرعمومی و نماینده« سرمایه داران بین‌المللی» معرفی میتمایندوبردر و دیوار وحتی پریشب صندلی‌اتوبوسها جملات « مرك‌برجهود» واز این قبیل شعارهای‌تحریك آمیز می‌اویسند

هم اکنون‌نامه‌ای یکی ازخوانندگان در مقابل ما است‌که مینویسد .

« چند شب قبل درخیابان‌اسلامبول عده ای قلیل از این جوجه فاشیت‌ها که بوسیله مقاماتی پشتیبانی میشدند جمع شده و یکی ازآنها هنگام شروع‌صحبت اولین شعاری‌که داد این‌بود

« مرك برجهود». گوینده این شعاررا چندین بار با صدای بلندتکرار نمود و سپس بیاوه گوئی های خود مشغول گشت .

مسئله‌ای که‌مایه‌تعجب است‌این بود که این شعارهیچگونه بستگی باموضوع صحبت‌نداشت »

بطوری که ازغالب کشور هائی که افراد آن حاکم بر مقدرات خودنیستند تظاهرات فاشیستی بمنظور سرکوبی جنبش ملت ها خود نمائی می کند ولی این تظاهرات بی پیروی از راه ورسم «هیتلر» «و کوبلد» عموما باحمله یهودشروع می گردد -

کار این گروه تنها بتظاهرات وسخن گفتن وشعار دادن وبحث وگفتگوخاتمه پیدا نمیکند بلکه کشتارهای نژادی نیز در بعضی ازنقاط شروع شده وهم‌کیشان مارا بهمان بهانه هائی که فاشیست ها قتل عام میکردند بفجیع ترین وضعی می کشند .

عدم جلوگیری دولت ها و علاوه برآن تشویق وترغیب فرمانروایان‌امور دامنه این تحریکات را وسیع تر می-کند .

هم اکنون برفعالیت گروهی که بنام « پان ایرانیست » برخود نهاده و با صداقت تمام میکوبند « منطق ماهشت است » روزبروز افزوده ترمی گردد سال گذشته‌روزنامه‌انگلیسی «جوایش کرونیکل» از گشوراتریش که‌یکی ازقربانیان فاشیسم میباشد خبرداده بود که « توسعه و رشد فاشیسم توجه یهودیان مقیم این کشوررا بخودجلب‌نموده‌است »

درمقابل اعتراض یهودیان اتریش بفرماندهی نیروهای اشغالگر انگلیسی در اتریش مشارالیه اظهارداشته بود که

« بعلت گرفتاری های زیاد فرصت تحقیق در باره این موضوع را نیافته است »

در نتیجه این نوع « گرفتاری‌ها» وعدم تحقیق واقدام اساسی درباره علت اصلی این‌تحریکات فاشیستی دراتریش ازطرف اولیای مسئول انگلیسی‌فاشیست ها ازسال گذشته تاکنون جری‌تر شده و بطوری‌که روزنامه داد مورخه ۲۵ مهر ماه ۱۳۳۰ شماره ۲۲۲۰

درستون«سیاست‌جهان» تحت‌عنوان «منازعه‌یهودی‌ها ونازی‌ها دراتریش‌تجدید گردیده‌است » .

می‌نویسد«درکشور اتریش نزاع یهودیها ونازیها که درزمان هیتلر خیلی شدید بودتجدید گردیده‌است » .

درآلمان غربی نیز فاشیشم‌آشکارا وبی پرده زنده‌می‌شود واحیاء می‌گردد و مقامات اشغالی امریکا با خوشحالی و سرور باین مناظر زشت نظاره می کنند .

شروع مجدد این قبیل تحریکات و توطئه های فاشیستی و عدم جلوگیری اولیاء مسئول و ترغیب وتشویق دولت ها نشانه این است که یك فاجعه بزرك تاریخی‌دیگردرشرف وقوع وتکوین‌است واگرملت ها از هم اکنون بفکر چاره اساسی برای جلو گیری از وقوع این توطئه نباشند بازهم باید درانتظار اعدام های دسته جمعی‌وچوبه‌های دار، کوره های آدمسوزی وسایراقدامات وحشیانه باید بود.اگر این جریان ادامه پیداکند وفاشیسم ازنودردنیا احیاء گرددو مردم دنیاگرفتار فاجعه جدیدی‌که به مراتب وحشتناکتر ازجنایات گذشته است خواهند شد ومسلما قسمت اعظم ازقربانیان این فاجعه را مانند گذشته یهودیان تشکیل خواهندداد .

وظیفه ما است که درجریان‌مبارزه علیه این عفریت ها پیشقدم‌باشیم برای خوشبختی خود وخانواده وهمنوعان خود صمیمانه با تبلیغات شوم آنان مبارزه کنیم .

نسبت بکشتارها وتحریکات نژادی که مجددا شروع شده است ابراز تنفر نمائیم -

از دولت بخواهیم که برای جلوگیری از تکرار این فجایع وجنایات و بخاطرحفظ‌آزادی ودموکراسی و جهت حمایت ورعایت ازقانون اساسی واصول مشروطیت نسبت باین مسئله مهم وحیاتی اقدام عاجل وفوری کند وبیش ازاین چشم پوشی واغماض روانداردو.

ما باید دوش بدوش سایر برادران شرافتمند و میهن پرست خود برای رسوا ساختن این توطئه های ضد انسانی مبارزه کنیم-

بدون تردید هشیاری و وحدت مبارزه ما مانع ازتجدید وتکرار اینگونه جنایات‌ضدانسانی خواهد گردید

شخصیت‌های بزرك

بقیه ازصفحه ۱

مقامات رسمی معتددی بوده‌است که از جمله استادی مدرسه ای است که سابقا خود در آنجا تحصیل می کرده‌است. هالوی در مدرسه مزبور بین سایر شاگردانش داماد آینده خودا بی زت را نیز تعلیم میداد.

هلوی از زمره هنر مندان بزرگی است که بعداز انقلاب کبیرفرانسه درپتن یهودیان آن کشور ظاهرشد .

قبل‌از انقلاب ، در شرایط‌استبداد، ملت‌فرانسه‌وجزوآن‌یهودیان‌آن کشورزیر فشار ظلم فئودال‌ها و مامورین پاپ و کلیسا دچار خفقان شدیدی بودند.

استعداد ها ، هنر مندی ها و نبوغ بشری فرصت ظاهرشدن پیدا نمی کردند پس از انقلاب کبیرفرانسه ملت‌تاحدودی آزادی یافت .

تساوی‌حقوق‌برای همه افراد کشور اعلان شد .

یهودیان نیز زمینه مساعدی برای ترقی پیدا کردند .

با اینکه بورژوازی‌فرانسه بتدریج وارث دستگاه فشار فئودالیسم شد و آزادی ملت رامحدود ساخت ، با وجود تجدید قدرت ارتجاع و ایجاد تضییقات تازه برعلیه ملت،ازآن جمله ایراد فشار های‌جدیدبریهودیان‌و بوجود آوردن‌صحنه هائی‌ازقبیل‌قضیه «دریفوس»، همین قدر که ملت‌فرانسه آزادیهائی بدست آوردیهودیان نیزفرصت پیدا کردند که در زمینه علوم و هنر ازخود نمونه های مبرزی ظاهر سازند .

استعدادهائی که درخلال تیرگی‌های قرون وسطی مخفی و مغفول مانده بود درمحیط نیمه آزاد قرن نوزدهم بروز کرد . فروماتال هلوی نمونه ای از هنرمندان‌این دوره است .

ماشین نویسی کریستال

تعلیم فن ماشین نویسی « عبری - فارسی ولاتین» درکوتاهترین مدت کلاسهای انگلیسی - دفترداری دوبل تحریر وترجمه

نشانی : لاله‌زار - روبروی کوچه خندان . سرای طاهباز

شیرازیان عزیز

برای‌خرید جرائد ومجلات کشور بخصوص روزنامه‌بنی آدم به بنگاه مطبوعاتی شهاب تکیه نواب مراجعه فرمائید